

بررسی پتانسیل عفو و بخشش در جامعه و تأثیر سرمایه اجتماعی بر آن

امید بهرامیان^۱

شفیع بهرامیان^۲

بیانه مام الهی^۳

تاریخ وصول: 94/04/04

تاریخ پذیرش: 94/07/25

چکیده

مطالعه حاضر تلاشی اکتشافی در جهت بررسی جامعه‌شناختی مفهوم عفو و بخشش و تبیین پتانسیل عفو و بخشش در جامعه، براساس سرمایه اجتماعی شناختی است. در این مقاله به بعد ارتباطی عفو و بخشش توجه شده و براساس نسبت فرد بخشنده با قربانی، پتانسیل بخشش در دو بعد پتانسیل بخشش معطوف به خود و پتانسیل بخشش معطوف به دیگران مفهوم‌سازی شده است. براساس پیمایش انجام شده در بین نمونه‌ای با حجم 378 نفر از شهروندان ارومیه‌ای، به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، وضعیت پتانسیل عفو و بخشش در بین نمونه آماری با میانگین 38/1 در مقیاس صفر تا صد، در سطح پایینی بوده است. همچنین افراد، زمانی که خود قربانی باشند، پتانسیل بخشش بیشتری داشته‌اند (بخشش معطوف به خود) تا زمانی که یکی از اعضای خانواده‌شان، قربانی رفتار انحرافی دیگران بوده است (بخشش معطوف به دیگران). نتایج تبیینی رابطه بین سرمایه اجتماعی شناختی و پتانسیل عفو و بخشش نشان داده است که سرمایه اجتماعی شناختی به صورت کلی، به میزان 18 درصد، در افزایش پتانسیل عفو و بخشش نقش داشته است. اما یافته‌های آماری نشان داده است که رابطه بین سرمایه اجتماعی و پتانسیل بخشش معطوف به دیگران، به صورت منحنی سهمی درجه دو بوده است. به عبارت دیگر افزایش سرمایه اجتماعی تا سطح متوسطی، باعث افزایش پتانسیل عفو و بخشش معطوف به خانواده شده در حالی که افزایش و تقویت بیشتر سرمایه اجتماعی، باعث کاهش پتانسیل بخشش معطوف به اعضای خانواده فرد شده است.

واژگان کلیدی: عفو و بخشش، سرمایه اجتماعی، پتانسیل، رابطه اجتماعی، سهمی درجه دو

¹ - کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی، obahramian@yahoo.com

² - دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین

³ - کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

مقدمه و بیان مسأله

از دیرباز، انسان برای حفظ حیات خویش، گرایش به زندگی جمعی داشته و به این ترتیب اجتماعات شکل گرفته است. انسان برای تنظیم روابط خود در اجتماع، خطاکش‌هایی را برای تنظیم رفتار خویش ایجاد کرده است که در گفتمان علمی جامعه‌شناسی به این خطاکش‌های رفتار، "هنجار" گفته می‌شود. همه افراد یک اجتماع موظف به تبعیت از این خطاکش‌های رفتاری بوده‌اند و تخطی از آنها، با نارضایتی جمعی روبرو می‌شود. برخی از این هنجارها در جهت تعیین حوزه خصوصی یا حریم شخصی افراد و جلوگیری از ورود سایرین به این حریم تنظیم شده است. افراد در کنش متقابل با یکدیگر دو عنصر ارتباطی انرژی و اطلاعات را بین یکدیگر مبادله می‌کنند اما در این میان امکان تخطی به حریم اشخاص در وجوه مختلف آن وجود دارد.

امروز حراست از حریم فکری، عاطفی، جانی و مالی اشخاص از دو طریق کنترل رسمی و غیر رسمی انجام می‌شود. این کنترل به وسیله تنبیه فرد خاطی از طریق برخورد قانونی با عمل مجرمانه و یا از طریق برخوردهای عرفی و اجتماعی از سوی شخص قربانی یا دیگران انجام می‌شود. در چنین وضعیتی امکان حضور پدیده عفو و بخشش¹ فراهم می‌شود. در واقع مفهوم عفو در برابر با تنبیه و برخورد مراجع قانونی با فرد خاطی قرار می‌گیرد و همچنین مفهوم گذشت به عنوان یک امر اجتماعی فراقانونی در برابر برخورد و تلافی فرد قربانی با فرد خاطی قرار می‌گیرد. بنابراین مفهوم عفو و گذشت زمانی مطرح می‌شود که در سازمان اجتماعی عمل مجرمانه یا رفتار هنجارشکنانه شخص آشکار و بصورت آگاهانه و علنی از برخورد با آن چشم‌پوشی شود. به این ترتیب، تنظیم کنش و روابط اجتماعی نه تنها از طریق تنبیه‌های رسمی و غیر رسمی انجام می‌گیرد گرفته بلکه از طریق بخشش و ترک تنبیه نیز سازمان می‌یابد.

مفهوم عفو در فرهنگ آکسفورد به معنای «عمل آمرزنده» و در فرهنگ دهخدا به معنای «گذشت کردن بر کسی و ترک کردن مجازاتی که شایسته آن است و خودداری از مؤاخذه وی» بکار برده شده است (دانشگر، 1390: 109). اما این مفهوم در علم روانشناسی به صورت‌های مختلفی تعریف شده است که در همه آنها یک نوع تقلیل‌گرایی روانشناختی وجود دارد. در علم روانشناسی بخشش اینگونه تعریف می‌شود: بخشش تحولی عاطفی است که آزادانه برگزیده شده و طی آن میل به انتقام از خطاکار کاهش می‌یابد یا در تعریفی دیگر بخشش فرآیند آزادسازی عاطفی-روانی است که در درون فرد رنجور رخ داده و او را از عصبانیت، خشم و ترس واره‌انیده و میل به انتقام و ایفای حق وی کاهش پیدا می‌کند (زندى پور و یادگاری، 1386: 110). آنچه در این تعاریف به آن توجه می‌شود در واقع جنبه روانی پدیده بخشش بوده است؛ درحالی که بخشش در محیط اجتماعی و در یک کنش متقابل نمادین با سایر

¹Forgiveness

کنشگران اجتماعی رخ می دهد بنابراین بخشش یک پدیده اجتماعی¹ است که کمترین اثر آن بروی روان فرد بخشنده بوده و دارای اثرات فراوانی بر کنش های آتی فرد ذی حق، کنش های فرد بخشیده شده، روابط اجتماعی آنها و تأثیر پدیده بخشش بر کل افراد مطلع از آن و بقای سازمان اجتماعی خواهد بود. از طرف دیگر اگرچه پدیده بخشش در مرحله نهایی از طریق تحولات عاطفی و عقلانی شخص اتفاق می افتد اما عوامل رفتاری، اجتماعی و محیطی فراوانی بر این فرآیند تأثیر می گذارند. برخی از این عوامل مربوط به فرد خاطی و برخی مربوط به فرد قربانی و نیز محیط اجتماعی وی بوده است و برخی از عوامل نیز بصورت فرا محیطی مطرح می شود.

عواملی مانند نوع و شدت رفتار هنجارشکنانه و مجرمانه، سابقه رفتار مجرمانه فرد خاطی، نظام شخصیتی فرد ذی حق، پایگاه اجتماعی وی، شدت همبستگی در اجتماع، گستره و عمق پیوندهای اجتماعی، انسجام محیط اجتماعی و سایر عوامل اجتماعی مانند تبلیغات رسانه‌ای، آموزش های رسمی، فعالیت ها و تبلیغات سازمان های مردم نهاد، وساطت افراد صاحب نفوذ و غیره بر عمل بخشیدن فرد تأثیر می گذارند.

مفهوم عفو را می توان از دو سطح عفو فرد مجرم از سوی نظام قضایی و قهری جامعه و عفو فرد خاطی از سوی فرد قربانی و یا اطرافیان و نزدیکان وی بررسی کرد. باید توجه داشت که عفو در نظام قضایی دارای ظوابط و اصول قانونی خاص است که بررسی آن در حیطه مطالعات علوم رفتاری نمی گنجد. لذا هدف از این مطالعه بررسی میزان پتانسیل عفو و بخشش در بین کنشگران اجتماعی است. بررسی پیشینه نظری و تجربی مفهوم بخشش در علوم اجتماعی نشان می دهد که تا به امروز به این مفهوم از منظر جامعه شناختی در هر دو سطح هستی شناسی و معرفت شناسی، توجه نشده است. درحالی که عفو و بخشش یک امر کاملاً اجتماعی بوده و با توجه به آثار اجتماعی آن، شایان مطالعه و بررسی جامعه شناختی است.

این درحالی است که سرمایه اجتماعی در سطح خرد و همچنین میزان همبستگی اجتماعی و شدت روابط مکانیکی و ارگانیکی جامعه می تواند در تغییر اندازه پتانسیل عفو و بخشش در بین کنشگران اجتماعی نقش ایفا کند. درواقع زمانی که فرد قربانی از حمایت های عاطفی و اجتماعی لازم برخوردار بوده و گستره روابطش با نهاد خانواده، گروه همسالان و سایر افراد جامعه در سطح مطلوبی باشد این امکان را برای وی فراهم می کند که با شدتضعیف تری به فکر انتقام و توبیخ فرد خاطی بیفتد. درواقع تأثیر سرمایه اجتماعی بر توانایی بخشش فرد وقتی سؤال برانگیز می شود که مفهوم بخشش ورای تعاریف تقلیلگرایان روانشناختی تعریف عملیاتی شود.

¹Social Fact

در مقیاس های اندازه گیری مفهوم بخشش در حوزه روانشناسی از جمله مقیاس ویژگی بخشش¹ بری و دیگران (Berry, et al, 2005) و مقیاس بخشایش زناشویی² (Fincham & Beach,) 2013 و نیز پرسشنامه مشهور بخشش هارتلند³ (Yamhure, et al, 2005) تنها به ابعاد روانی مفهوم بخشش از جمله بخشش شخص نیست به خود، بخشش دیگران، بخشش موقعیت ها و بخشش خداوند توجه شده است. درحالی که به جنبه های اجتماعی آن از جمله بخشش جمعی فرد یا گروه خاخی، بخشش فرد نسبت به خطای شخص درقبال یکی از نزدیکانش و بخشش های گروهی توجه نشده است. تأملی در درگیری های درون گروهی و بین گروهی مانند نزاع های قومیتی، نزاع های جمعی، پدیده "حد" و اختیار اجرای آن با قربانی و نزدیکان وی، اهمیت وجود پتانسیل عفو و گذشت را در سطوح فرا روانی و غیر فردی نشان می دهد. لذا در این تحقیق میزان وجود توانایی بخشش را به عنوان پتانسیل بخشش در نظر گرفته و این پتانسیل را در دو بعد بخشش معطوف به خود (بخشش خاخی، زمانی که خود بخشنده، قربانی باشد) و بخشش معطوف به دیگران (بخشش خاخی، زمانی که یکی از نزدیکان فرد، بخشنده قربانی باشد) مورد توجه قرار خواهیم داد.

باتوجه به موارد ذکر شده، در این مطالعه سعی شده است از دید جامعه شناختی به مقوله عفو و بخشش توجه شده و نقش سرمایه اجتماعی افراد را در قابلیت و توانایی بخشش در هر دو بعد معطوف به خود و معطوف به دیگران مورد بررسی قرار دهد. چراکه سرمایه اجتماعی به عنوان عاملی انسجام بخش عمل می کند و اعضای جامعه را در کنار هم نگه می دارد. درحالی که مفهوم انسجام اجتماعی گاهی اوقات معادل با سرمایه اجتماعی در نظر گرفته می شود و اشاره به درجه به هم پیوستگی و انسجام میان گروه ها در جامعه، دارد. شبکه اجتماعی و حمایت اجتماعی نیز بعنوان اجزای سرمایه اجتماعی تلقی می شوند. این دو مفهوم در واقع شبکه ای از روابط اجتماعی و پیامدهای کارکردی روابط اجتماعی را شامل می شوند که در برگیرنده مصاحبت و همدلی، کمک و حمایت عاطفی است (Hsieh, 2008: 151). بنابراین سؤال اصلی این مطالعه این بوده است که پتانسیل عفو و بخشش در دو بعد معطوف به خود و معطوف به دیگران در بین مردم چه توزیعی داشته و سرمایه اجتماعی افراد در ابعاد انسجام، شبکه روابط، اعتماد، کنترل، حمایت و همبستگی اجتماعی چه تأثیری بر پتانسیل عفو و بخشش در جامعه داشته است؟

¹Trait forgiveness

²Marital Forgiveness Scale

³Heartland Forgiveness Scale

پیشینه تجربی عفو و بخشش

بررسی پیشینه پژوهشی عفو در ادبیات علوم اجتماعی نشان داده است که حداقل براساس منابع موجود تا به امروز در حوزه جامعه‌شناسی به این مفهوم به صورت ویژه توجه نشده است، لذا نظریه‌ای نیز در تشریح و تبیین این مفهوم تولید نشده است. اما همان‌طور که قبلاً اشاره شد مفهوم بخشش در حوزه روانشناسی مورد توجه قرار گرفته است. در اکثر تحقیقات موجود، به پیامدهای روانی عفو و بخشش توجه شده است. نتایج برخی از این تحقیقات در ذیل گزارش شده است:

در پژوهشی کلینیکی¹ در مصاحبه با افراد نشان داد که بخشش منجر به صلح و آزادی فرد از نفرت می‌شود. همچنین بخشش باعث تغییرات اساسی افکار و تغییر افکار منفی و مخرب به افکار سازنده می‌شود. همچنین جانی از جرم خود خجالت زده‌تر شده و در نتیجه باعث رشد اخلاقی و معنوی در جامعه می‌شود (غباری بناب، 2009). از نظر جان و جانی عفو و بخشش دارای مزایای جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی می‌باشد. همچنین بخشش بر تنظیم فشارخون تأثیر می‌گذارد و باعث کاهش بیماری‌های قلبی و عروقی، اضطراب، افسردگی و بیماری‌های روانی و به طور کلی بر سلامت افراد می‌شود (Jane & Jannie, 2000).

غباری بناب و همکارانش در بررسی رابطه میزان بخشش و سلامت روان دانش‌آموزان به این نتیجه رسیده‌اند که دانش‌آموزان با بخشش بالاتر، افسردگی و اضطراب کمتری نسبت به سایر دانش‌آموزان دارند (غباری بناب، کیوان‌نژاد، تربتی، 2008). تحقیقات تجربی به طور کلی نشان می‌دهند بین سازگاری و بخشش دیگران همبستگی مثبت وجود دارد (Ross, 2004; Ashton, 1998). همچنین امال در بررسی رابطه بین بخشش و صفات شخصیتی و سلامت روان میان 450 نفر از دانشجویان اردن، نتایج نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روان با میزان بخشش دانشجویان وجود دارد.

این مطالعات نشان می‌دهد که عفو و بخشش در تحقیقات حاضر به‌عنوان یک پدیده روانی تلقی می‌شود که بر سلامت روانی و جسمی اشخاص تأثیر می‌گذارد و به ابعاد اجتماعی بخشش، علل ساختاری و اجتماعی آن و پیامدهای اجتماعی عمل بخشش، توجهی نشده است.

چارچوب مفهومی

باتوجه به وجود نداشتن نظریه‌های تبیینی عفو و بخشش و فقر نظری موجود در این زمینه، مطالعه حاضر به صورت اکتشافی، به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و توانایی عفو و بخشش در بین مردم پرداخته است، باتوجه به این مهم، مطالعه انجام شده فاقد چارچوب نظری مشخص بوده و در آن از

¹ Clinical

چارچوب مفهومی بهره‌برده شده است که در آن به بررسی زوایای مختلف مفهوم عفو و بخشش و سرمایه اجتماعی پرداخته شده و براین اساس مدل مفهومی تحقیق، به صورت روابط آگزیماتیکی منطقی، تنظیم شده است:

تعریف بخشش

مفهوم عفو و بخشش اگرچه از شروع روابط بین انسانی دارای مصادیقی بوده است اما از جمله مفاهیمی است که در مطالعات اجتماعی و رفتاری به آن کمترین توجهی نشده است. بخشش به عنوان یک پدیده اجتماعی زمانی امکان وقوع پیدا می‌کند که ابتدا ارتباطی در عرصه اجتماعی و دست کم بین دو کنشگر برقرار شده و احساسی ناخوش‌آیند بین آنها مبادله شود. در یک تعریف، عفو و بخشش یک فرآیندی (و یا در نتیجه یک فرآیندی) است که شامل تغییر در احساسات و نگرش مجرم می‌شود. نتایج این فرآیندها موجب کاهش انگیزه برای مقابله به مثل و یا دوری از شخص مجرم علی‌رغم اقدامات آنها، و نیاز به رهایی از احساسات منفی نسبت به مجرم می‌شود. نظریه پردازان در میزان بخشش افراد تفاوت قائل می‌شوند. در هر صورت، بخشش با شناخت کامل قربانی اتفاق می‌افتد، به طوری که قربانی معتقد به یک نوع رفتار بهتری است، یکی از اعتقادات مهاتما گاندی بعنوان یکی از سردمداران جنبش صلح طلبی و بخشش و ترک خشونت این بود که "ضعیف هرگز نمی‌تواند ببخشد. عفو و بخشش ویژگی یک فرد قوی است" (Staub, 2006).

بخشش و آشتی

برخی از نظریه پردازان مشاهده کرده اند که آشتی، و یا احیای یک رابطه، به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرآیند بخشش است، و دیگر فرآیندها به عنوان فرآیندهای مستقل هستند زیرا بخشش ممکن است در غیاب آشتی رخ دهد و مصالحه ممکن است در غیاب بخشش اتفاق بیفتد. با این وجود، بخشش دارای تبعات رفتاری است. کاستن از انتقام و انگیزه‌های پرهیز از انتقام و افزایش توانایی ابراز آرزو خوب برای شخص مجرم بخشی از این تبعات است. بخشش یک فرآیند یک طرفه است (Fincham, 2005).

بخشش متفاوت از فرآیندهای دیگر، مانند چشم‌پوشی شناخته شده است (نادیده گرفتن یک عمل اشتباه در نتیجه بخشش)؛ معذرت‌خواهی (پاسخگو بودن شخص یا گروه به عملکرد خود) عفو (که تنها توسط یک نماینده از جامعه، مانند یک قاضی اعطا می‌شود)، و فراموش کردن (از بین رفتن آگاهی از جرم از حافظه خودآگاه و بخشیدن به دلیل فراموش کردن جرم). بسیاری از این مفاهیم که توسط محققان، متفاوت تلقی می‌شوند در مفاهیم عام بخشش یکسانند (Fincham, 2005).

از نظر فریدمن پدیده بخشش به عنوان یک امر اجتماعی دارای مزایایی در سطح روانی و بین فردی است که دو طرف آن را دربر می گیرد: 1- کمک در آرامش روانی از طریق تغییرات مثبت در احساسات 2- پیشرفت در بهبودی جسمی و روانی 3- بازیابی حس توانایی فردی شخص قربانی 4- کمک به آشتی بین شخصی که جرم بر روی او اتفاق افتاد و مجرم و 5- باعث ارتقای امید برای حل و فصل اختلافات میان گروهی در دنیای واقعی می شود (Freedman, 1996).

ستوب نیز نتایج حاصل از پیامدهای تجربه بخشش را خلاصه کرده است: از نظر او اقدام به بخشش باعث بهبود احساسات شده و میزان بیماری های روانی را کاهش می دهد. همچنین پاسخ استرس های فیزیولوژیکی را کاهش می دهد و در نتیجه موجب بهبود جسمانی و منجر به احساس کنترل شخصی بیشتری می شود و در نهایت باعث تسهیل ترمیم روابط با افراد و تقویت ارتباطات عاطفی و اجتماعی می شود (Staub, 2006).

از دیدگاه پدیدارشناسی به این مهم توجه شده است که عمل بخشش در خلاء اتفاق نمی افتد بلکه یک تعامل اجتماعی بین قربانی و مجرم وجود دارد. حتی در مواردی که در آن هیچ تماس چهره به چهره بین این افراد وجود ندارد، یک پیوند اجتماعی ایجاد شده است، نقش های اجتماعی تعریف شده، و یک گفتمان خاص از بخشش استفاده می شود. در گفتن کلمات بخشش نیز فرد به یک رابطه جدید وارد می شود و این رابطه اغلب از طریق صحبت کردن با یکدیگر به وجود می آید (Kearns, 2004).

هنگامی که بخشش اتفاق می افتد، این امکان وجود دارد که معانی بخشش تغییر کند. خانواده، دوستان، و گروه های اجتماعی تحت تأثیر این عمل قرار می گیرند، بنابراین این عمل که ابتدا بسیار شخصی به نظر می آید، ابعاد اجتماعی پیدا می کند. این چیزی است که هربرت بلومر آن را کنش متقابل نمادین تلقی می کند؛ که در آن معانی ما برای چیزهایی همچون بخشش گاهی اوقات از طریق یک فرآیند تفسیری تجدید نظر شده تغییر می کند (Kearns, 2004).

عوامل ساختاری وجود دارد که منجر به ایجاد مکانیزم هایی به منظور افزایش توانایی بخشیدن و ارتقای درک ریشه های خشونت در میان افراد در سطح فردی (به عنوان مثال: اختلافات زوجین، قربانیان زنا با محارم، مشکلات ناشی از اختلافات پدر و مادر) و سطح گروهی (نقض حقوق بشر، درگیری های میان گروهی و جنگ) می شود که باعث آشتی و بخشش و کاهش خشونت های جمعی و آسیب های فردی می شود (Staub, 2006). از آنجا که پدیده بخشش در در ارتباط با دیگران و در محیط اجتماعی رخ می دهد، می تواند از سرمایه اجتماعی افراد بخشنده تاثیر بپذیرد.

عفو و بخشش یک کنش اجتماعی است که می توان باتوجه به نظریه پارسنز آن را تشریح کرد. به نظر پارسونز ارزش های همراه با کنش، از خارج بر افراد تحمیل نمی شود بلکه در مناسبات متقابل شان با جامعه ایجاد می گردد، از این رو جا دارد آن ها را اجتماعی بنامیم. در واقع این ارزش ها هستند که در عمل، شرایط ساختی کنش اجتماعی را تشکیل می دهند، متغیرهای الگویی فرایند کنش اجتماعی مانند فرآیند

بخشش افراد خاطی افراد را نسبت به موقعیت خود بیان می‌کند. منظور از متغیر انتخاب یک شق از دو شقی است که عامل پیش از آنکه معنای موقعیت بر او معلوم باشد و بخواهد به عمل دست بزند باید یکی از آن دو را انتخاب کند. پارسونز تعداد این دو راهی‌ها را پنج متغیر اساسی می‌داند، این متغیرها می‌توانند در توانایی افراد برای بخشیدن افراد خاطی نیز، به عنوان یک کنش اجتماعی، نقش ایفا کنند. متغیرهای مدنظر پارسونز عبارت‌اند از: 1- عاطفی بودن در برابر خنثی بودن از لحاظ عاطفی؛ 2- جهت‌گیری جمعی در برابر جهت‌گیری به سوی خود. 3- عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی؛ 4- کیفیت ذاتی در برابر جنبه عملی؛ 5- ویژه بودن در برابر پراکنده بودن (توسلی، 1380: 243). این متغیرهای تعیین کننده کنش بخشش متأثر از ساختارهای اجتماعی و شدت و نوع همبستگی اجتماعی هستند.

سرمایه اجتماعی: به تازگی مفهوم سرمایه اجتماعی به طور گسترده ای به وسیله محققان علوم اجتماعی، در تشریح پدیده های اجتماعی گوناگون مورد استفاده قرار می گیرد. به نظر زیمل فرایند هایی نظیر تقسیم کار فزاینده، عقلانیت مفرط و نظایر آن سبب ناپایداری روابط و کاهش اعتماد اجتماعی است. جامعه شناسان معاصر برای بررسی کمیت و کیفیت روابط اجتماعی در جامعه از مفهوم سرمایه اجتماعی بهره جسته اند (شارع پور، 1380: 120). به طور کلی سرمایه اجتماعی یک مفهوم جمعی است که برخاسته از رفتارها، نگرش ها و استعداد های فردی است (Brehm, 1997).

این مفهوم در حوزه جامعه شناسی از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است و نظریه پردازان زیادی در این باب تئوری پردازی کرده اند: بوردیو (1986) در گروه اولین کسانی است که سرمایه اجتماعی را به طور سیستماتیک، تحلیل کرده و آن را به منزله منابع بالقوه یا بالفعلی می داند که در شبکه ای از روابط کم و بیش نهادینه شده و دوجانبه ایجاد می شود. در همین راستا، بر وابستگی سرمایه اجتماعی به ساختار اجتماعی تأکید می کند (Garip, 2008). بعد ها کلمن (1988) سرمایه اجتماعی را به منزله منبعی برای کنش افراد در نظر می گیرد که در روابط میان اشخاص وجود دارد و نتیجه آن به هم پیوستگی در ساختار اجتماعی بوده و قابل تبدیل به سایر اشکال سرمایه است (Garip, 2008). از نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی به مجموعه مفاهیمی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه ها اشاره دارد که موجب ایجاد ارتباطات و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منجر به تأمین منافع متقابل آنان می شود (توداروم، 1375: 87). در ادامه تعاریف ذکر شده، تشریح شده است:

درواقع توضیح و تفسیر یکپارچه این اصطلاح توسط پیربوردیو در 1972 انجام شد. بوردیو سرمایه اجتماعی را به عنوان «مجموعه منابع بالقوه و بالفعل که به عضویت در یک گروه مرتبط می شود، تعریف می کند، که هریک از اعضا با پشتیبانی از سرمایه اجتماعی فراهم می کنند» (Bourdieu, 1986: 243).

جیمز کلمن سرمایه اجتماعی را از طریق کارکردش تعریف کرد. از نظر وی «سرمایه اجتماعی منبعی اجتماعی - ساختاری است که دارایی و سرمایه افراد محسوب می شود. این دارایی شی واحدی نیست،

بلکه ویژگی‌هایی است که در ساختار اجتماعی وجود دارد و باعث می‌شود افراد با سهولت بیشتری وارد کنش اجتماعی شوند» (کلمن، 1377).

پاتنام، مقوله سرمایه اجتماعی را مرتبط با جمع و جامعه می‌داند و این مفهوم را این گونه تعریف می‌کند: «شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد، شرکت کنندگان را به همکاری جدی‌تر و کارآمدتر برای دستیابی به هدف‌های مشترک قادر می‌سازد» (از کیا، 1381: 278). به نظر وی، سرمایه اجتماعی در گروه‌های مدنی و دینی، پیوندهای خانوادگی، شبکه‌های اجتماعی غیررسمی، دوستان و خویشاوندان، هنجار عمل متقابل، داوطلب شدن و اعتماد نهفته است. هنجارهای اعتماد و عمل متقابل در بین شبکه‌ها، منابع سرمایه و اساساً اجتماعی هستند. سرمایه اجتماعی فی‌نفسه کنش جمعی نیست، بلکه هنجارها و ضمانت‌های اعتماد و عمل متقابل در شبکه‌های اجتماعی است که مشکلات غیر قابل حل کنش جمعی را حل می‌کند (Putnam, 1995).

گرین سرمایه اجتماعی را به صورت زیرتعریف می‌نماید: طیف کاملی از نهادها، اعمال، ابزارها و رفتارهای یاد گرفته شده، که گروه‌ها و افراد را قادر می‌سازد تا فضاهای فیزیکی را بهره‌ور و فضاهای فرهنگی و اجتماعی را مساعد نمایند (Greene, 2001).

سرمایه‌ی اجتماعی از ابعاد گسترده تری برخوردار است؛ چون در جوامع، همه‌ی افراد در درون شبکه‌ی ای فشرده به نوعی با دیگر اعضای جامعه پیوند و ارتباط دارند. کلمن بر این باور است که وجود روابط و پیوندهای دیرینه بین اعضای یک جامعه می‌تواند، ضمن ماندگار ساختن هنجارهای کارآمد، به ایجاد اعتماد در جامعه نیز کمک کند. در پرتو اعتماد است که تعهدات و انتظارات شکل می‌گیرند. اعتماد می‌تواند همان نوع از ضمانت اجرایی را به وجود آورد که در ساختارهای اجتماعی که افراد انتظارات روشن و مشخصی از چگونگی رفتار خود و رفتار دیگران دارند، اطلاعات لازم مربوط به این موضوع در اختیار همه اعضای جامعه قرار دارد. تعهد برای انجام امور به خودی خود یک منبع و امکان محسوب می‌شود و چنانچه در مواقع ضروری در اختیار دیگران قرار گیرد، شکل ملموس به خود خواهد گرفت (شارع پور، 1380: 80-85).

سرمایه اجتماعی را در یک تقسیم‌بندی معرفت‌شناختی می‌توان به دو بخش سرمایه اجتماعی شناختی (رابطه‌ای) و سرمایه اجتماعی ساختاری یا نهادی تقسیم کرد: سرمایه اجتماعی شناختی به تجلیات انتزاعی سرمایه اجتماعی، از قبیل اعتماد، هنجارها و ارزش‌هایی اشاره دارد که کنش‌های متقابل میان مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما تجلی ساختاری این سرمایه به جنبه‌های عینی مفهوم سرمایه اجتماعی توجه دارد؛ مواردی مانند نهادهای محلی، سازمان‌ها و شبکه‌های موجود در میان مردم که قادر به پیگیری اهداف فرهنگی، اجتماعی و ... می‌باشند. این جنبه از سرمایه اجتماعی باعث ایجاد روابط افقی و روابط عمودی در جامعه گشته و از این طریق سرمایه اجتماعی کل جامعه تقویت می‌شود (چلبی و مبارکی، 1384: 7). از این روی، باتوجه به این مهم که مفهوم بخشش در قابل کنش افراد مصداق پیدا

می کند لذا در این تحقیق سرمایه اجتماعی شناختی به عنوان عاملی مؤثر در تبیین میزان پتانسیل بخشش افراد مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه مباحث نظری مرتبط با ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی شناختی یا رابطه‌ای تشریح شده است:

یکی از عناصر سرمایه اجتماعی همبستگی¹ و وفاق اجتماعی است. این رکن سرمایه اجتماعی را می توان در اندیشه فردی مانند «دورکیم» جستجو نمود: از نظر وی همبستگی، عبارت است از احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه؛ که از آگاهی و اراده برخوردار باشند. این احساس مسئولیت می تواند شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان‌ها به طور کلی حتی با وابستگی متقابل حیات و منافع بین آنان باشد. همبستگی حائز یک معنای اخلاقی به نام وظیفه و یا الزام متقابل است. هم چنین وابستگی متقابل اجزاء و یا موجودات در یک کل را هم می فهماند. به زبان جامعه‌شناختی، همبستگی پدیده‌ای را می‌رساند که بر پایه ی آن در سطح یک گروه یا جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته و به طور متقابل نیازمند به یکدیگرند. بدین ترتیب همبستگی گروهی نیز به معنای آن است که گروه وحدت خود را حفظ کند و با عناصر وحدت بخش خویش تنطبق و هم‌نواپی یابد (آرون، 1372: 101-107). دورکیم به عنوان یک جامعه‌شناس کلاسیک، همبستگی گروهی را محور تحلیل خود قرار داد و آن را به دو بخش مکانیکی و ارگانیکی تقسیم کرد. همبستگی مکانیکی به معنای وابستگی متقابل عناصر مشابه اجزای همگن در یک کل اجتماعی فاقد تمایزات داخلی است و همبستگی عضوی یا ارگانیکی، از تقسیم کار اجتماعی و به همراه آن کارکردها و تلاش‌هایی که مثل فرآیند اعضای متمایز انسان یکدیگر را کامل می کنند، می باشد. همبستگی اجتماعی در نگاه دورکیم اهمیت تعیین کننده ای دارد. بنابراین از دیدگاه دورکیم می توان این برداشت را داشت که هر نوع همبستگی و درگیری اجتماعی سبب افزایش بردباری اجتماعی و پتانسیل بخشش انحرافات اجتماعی می شود. در واقع پیوند های اجتماعی که دارای ارزش و معنای مثبتی هستند در کنار عوامل دیگر مانند نقش و حمایت اجتماعی سبب افزایش بردباری، قابلیت بخشش دیگران و سلامت روان می شوند (Avison, 2006).

تراویس هیرشی در باب نقش همبستگی در کنترل اجتماعی معتقد است گروهی که اعضایش با هم همبستگی قوی داشته‌در باب نقش همبستگی در کنترل اجتماعی باشند، بهتر قادر به اعمال کنترل اجتماعی روی اعضایش خواهد بود تا گروهی که بین آنها همبستگی استواری وجود نداشته باشد (ستوده، 1380).

دورکیم به گونه‌ای غیرمستقیم به حمایت اجتماعی به عنوان محصولی برآمده از روابط اجتماعی توجه دارد. اگرچه او برای اولین بار بحث تأثیر شبکه روابط اجتماعی و حمایت‌های منتج از این شبکه را در آسیب‌شناسی باب نمود. اما حمایت اجتماعی در تحلیل‌های آسیب‌شناختی اجتماعی کمتر مورد توجه قرار

¹ Solidarity

گرفته است. از نظر ساراسون و دیگران حمایت اجتماعی میزان برخورداری از محبت، همراهی و توجه اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد تعریف شده است. برخی حمایت‌های اجتماعی را واقعیت اجتماعی و برخی آن را ناشی از ادارک فرد می‌دانند (ممتاز، 1381).

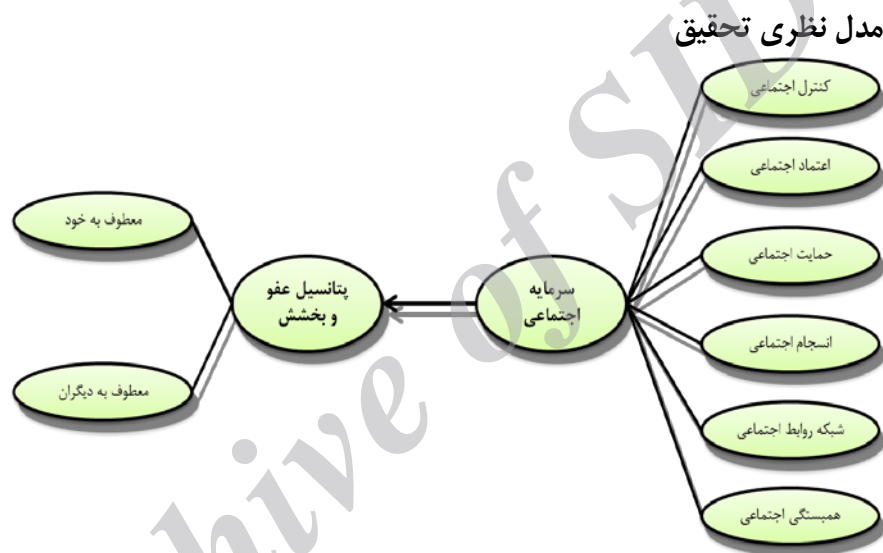
اعتماد نیز یکی از اصلی‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی به‌شمار می‌رود؛ اعتماد اجتماعی را می‌توان داشتن حسن ظن به دیگران در روابط اجتماعی فرد یا گروه است دانست که تسهیل‌کننده روابط اجتماعی بوده و امکان سود یا زیان را در خود نهفته دارد؛ جورج زیمل با طرح مبادله و بیان منافع پشت سر آن، اعتماد را یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های مبادله قلمداد کرده است. به اعتقاد او بدون اعتماد عمومی افراد به یکدیگر، جامعه تجزیه می‌شود. ماکس وبر ضمن تأکید ویژه بر کنش اجتماعی و نیت‌مندی معانی، معتقد است اعتماد همچون ارزشی که در لایه‌های پسین کنش‌هاست، می‌تواند به کمک منافع عمل‌گرایانه ایجاد و مستحکم شود (چلبی، 1381: 75).

جمع‌بندی نظری

چلبی در بررسی نظام شخصیتی چهار بعد را برای الگوی مفهومی انسان متصور می‌شود. وی براساس مدل آجیل (AGIL) انسان را در چهار علقه مادی، امنیتی، شناختی و ارتباطی ترسیم می‌کند (چلبی، 1381: 75). براساس این تقسیم‌بندی می‌توان حریم خصوصی انسان را در چهار بعد مالی، جانی، عاطفی و جمعی در نظر گرفت که به ترتیب در علقه‌های مادی، امنیتی، شناختی و ارتباطی قرار می‌گیرند. بنابراین زمانی که فرد خاطی به یکی از این حریم‌های انسان و یا نزدیکان وی تجاوز کند، امکان عمل بخشیدن از سوی فرد قربانی یا نزدیکان وی فراهم می‌شود. اگر بخشش را به عنوان یک پدیده اجتماعی تلقی کنیم و جنبه ارتباطی آن را در نظر بگیریم، می‌توان عمل بخشش را براساس نسبت فرد با عمل انحرافی به دو بعد تقسیم کرد. در یک بعد، فردی که در وضعیت بخشندگی قرار می‌گیرد، قربانی رفتار منحرفانه فرد خاطی بوده است که آن را به صورت "بخشش معطوف به خود" مفهوم سازی می‌کنیم. درحالی که این امکان وجود دارد فرد بخشنده در موقعیتی قرار بگیرد که به حریم یکی از نزدیکان وی (از جمله اعضای خانواده) تجاوز شده باشد. این وضعیت را می‌توان بعد دوم عفو و بخشش در نظر گرفت و آن را در قالب "بخشش معطوف به دیگران (نزدیکان و خانواده)" در نظر گرفت. از آنجا که اندازه‌گیری دقیق میزان بخشندگی فرد در شرایط مختلف امکان‌پذیر نیست، لذا در این مطالعه قابلیت و توانایی افراد در بخشش دیگران براساس شرایط مختلف احتمالی به عنوان پتانسیل عفو و بخشش دیگران مدنظر قرار گرفته است.

براساس مباحث نظری انجام شده و ماهیت سرمایه اجتماعی، سطح شناختی سرمایه اجتماعی می‌تواند در توانایی بخشش افراد نقش داشته باشد. براساس این نوع از سرمایه اجتماعی، ابعاد همبستگی اجتماعی، حمایت اجتماعی، کنترل اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی

به عنوان منابع بالقوه و بالفعل اجتماعی-ساختی افراد تلقی می شوند که می تواند در تصمیم‌گیری و کنش‌های وی نقش ایفا کنند. براین اساس ابعاد فوق الذکر می توانند بر پتانسیل افراد برای بخشش افراد خاطی، به عنوان یک کنش اجتماعی نقش ایفا کنند. در این میان متغیرهای الگویی پارسونز نیز باتوجه به شدت روابط مکانیکی-ارگانیکی جامعه، در تعیین کنش بخشش افراد خاطی و شدت و جهت رابطه سرمایه اجتماعی با متغیر پتانسیل عفو و بخشش نقش داشته باشد. باتوجه به این روابط، مدل نظری تحقیق ترسیم شده است.



شکل (1) مدل نظری تحقیق

فرضیه های تحقیق

به نظر می رسد بین سرمایه اجتماعی افراد و پتانسیل عفو و بخشش آنها رابطه معناداری وجود دارد. به نظر می رسد بین سرمایه اجتماعی افراد و بعد پتانسیل بخشش آنها نسبت به خود رابطه معناداری وجود دارد. به نظر می رسد بین سرمایه اجتماعی افراد و بعد پتانسیل بخشش آنها نسبت به دیگران(نزدیکان) رابطه معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق این مطالعه از نوع پیمایشی متکی به پرسشنامه کتبی بوده و مقیاس سنجش مفاهیم، لیکرت پنج ارزشی بوده است. محیط مورد مطالعه نیز شهر ارومیه بوده و جامعه آماری شامل همه افراد

بالای 18 سال ساکن در شهر ارومیه بوده اند، این پیمایش در زمستان سال 1393 انجام شده است. حجم نمونه انتخاب شده براساس فرمول کوکران و باتوجه به حجم جامعه آماری 386 نفر بوده است که با استفاده از روش انتخاب نمونه خوشه ای چند مرحله ای، براساس بخش های جغرافیایی، در هر بخش دو محله انتخاب شده و برای هر محله 40 پرسشنامه مدنظر قرار گرفته و به این ترتیب کوچه ها و نمونه های مورد نظر باتوجه به تقسیم بندی های جغرافیایی به صورت انتخاب شده و درنهایت تعداد 376 پرسشنامه به صورت تکمیل شده بازگشت و با استفاده از نرم افزار آماری spss مورد تحلیل قرار گرفته است.

تعریف مفاهیم

سرمایه اجتماعی: همان طور که قبلاً ذکر شد در این تحقیق سرمایه اجتماعی شناختی رابطه ای افراد جامعه مورد سنجش قرار گرفته است؛ لذا در این مطالعه سرمایه اجتماعی از طریق ابعاد شبکه روابط اجتماعی، انسجام اجتماعی، حمایت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، کنترل اجتماعی، اعتماد اجتماعی اندازه گیری شده است. گویه های مربوط به این ابعاد و میزان الفای کرونباخ آنها در جهت سنجش میزان پایایی در جدول (1) آمده است.

جدول (1) ابعاد و گویه های سرمایه اجتماعی و میزان آلفای کرونباخ

آلفای کرونباخ	گویه	ابعاد
0.76	مردم جامعه ما به راحتی با همدیگر کنار می آیند	انسجام اجتماعی
	مردم جامعه ما اغلب به دیدن یکدیگر می روند	
	مردم محله ما با همدیگر بسیار صمیمی هستند	
0.71	ظاهر و باطن مردم محله من یکی است	اعتماد اجتماعی
	بیشتر افراد جامعه ما قابل اعتمادند	
	مسئولین شهر، بیشتر به فکر منافع شخصی خود هستند تا منافع مردم به نهادها و سازمان های دولتی شهر اعتماد دارم	
0.85	به طور کلی هر چند وقت یکبار به دیدن دوستان صمیمی خود می روید	شبکه روابط اجتماعی
	به طور کلی هر چند وقت یکبار به دیدن فامیل های نزدیک می روید	
	چقدر احساس تنهایی می کنید	
	با همسایه ها چقدر تا چه حدی ارتباط دارید	
0.83	ارتباط تان با افراد صاحب نفوذ شهر در چه حدی است	کنترل اجتماعی
	دوستان تان تا چه حد ما را ملاقات کنند	
	افراد محله برای تأمین امنیت این محله به همدیگر کمک می کنند	
0.74	افراد جامعه ما تلاش می کنند حق مظلومی ضایع نشود	حمایت اجتماعی (خانوادگی و اجتماعی)
	اطرافیان من همیشه مانع از ایجاد درگیری و نزاع می شوند	
	مردم ما سعی می کنند به هنجارها و ارزش های دیگران احترام بگذارند	
	من دوستانی دارم که واقفاً می توانم روی کمکشان حساب کنم	
0.79	در زندگیم کسانی را دارم که به هنگام نیاز، کنارم هستند	همبستگی اجتماعی (خانوادگی و اجتماعی)
	در زندگیم کسانی را دارم که در واقعاً وقت شادی و هم، باعث دلگرمی من هستند	
	خانواده ام هیچ وقت مشکلات من را درک نمی کنند	
	همیشه روی حمایت های اعضای خانواده ام حساب می کنم	
0.79	زمانی که با مشکلی برخوردیم، اعضای خانواده ام با جان و دل من را یاری می کنند	همبستگی اجتماعی (خانوادگی و اجتماعی)
	اعضای خانواده ام و فامیل همیشه از همدیگر انتقاد می کنند	
	اعضای خانواده ام با همدیگر بسیار صمیمی و مهربانند	
0.79	هم محله های ما همیشه سعی می کنند از حال هم باخبر باشند	همبستگی اجتماعی (خانوادگی و اجتماعی)
	در زمان بحران ها همبستگی و هم دلی مردم بسیار بالا است	
	با اینکه مردم شهر از تیره های مختلفی هستند ولی تعاملات مثبت شان با همدیگر قابل تحسین است	

پتانسیل عفو و بخشش: در مطالب فوق تعاریف مختلفی از مفهوم عفو و بخشش ذکر گردید. اما به صورت کلی مفهوم پتانسیل عفو و بخشش را می توان اینگونه تعریف کرد که قابلیت و توانایی افراد در گذشت از حق تنبیه یا جبران، در شرایطی که فرد خاطی به حریم فرد یا نزدیکانش تعرض کرده باشد. این حریم فرد می تواند جنبه مالی، جانی، جمعی و یا عاطفی داشته باشد. لذا پتانسیل بخشش عبارت است از چشم پوشی داوطلبانه از جبران مادی و معنوی صدمه مالی، جانی، جمعی و عاطفی (باتوجه به تقسیم بندی نظام شخصیتی مدنظر چلبی، 1381) خود یا یکی از نزدیکان. بنابراین در این مطالعه براساس نسبت فرد به قربانی، پتانسیل عفو و بخشش در دو بعد بخشش معطوف به خود (زمانی که خود فرد، قربانی شده) و بخشش معطوف به دیگران (زمانی که یکی از اعضای خانواده وی، قربانی شده) در جنبه های مختلف جانی، مالی، عاطفی و جمعی مدنظر قرار گرفته شده است. همچنین در پرسشنامه، این مهم تذکر داده شده است که فرد خاطی کسی غیر از اعضای خانواده و فامیل پاسخگویان باشد. گویه- های این مقیاس همراه با میزان آلفای کرونباخ آنها در جدول (2) آمده است:

جدول (2) ابعاد و گویه های پتانسیل عفو و بخشش و میزان آلفای کرونباخ

آلفای کرونباخ	گویه	ابعاد
0.71	اگر کسی در بازار به شما توهین کند، تا چه حد امکان دارد وی را ببخشید (جمعی)	پتانسیل بخشش معطوف به خود
	اگر کسی در عابر پیاده به شما تهنیت بزند، تا چه حد امکان دارد وی را ببخشید (جمعی)	
	وقتی کسی پشت سر شما حرف بزند، تا چه حد امکان دارد وی را ببخشید (عاطفی)	
	اگر کسی در حد شدیدتی با احساسات شما بازی کند، چقدر احتمال دارد وی را ببخشید (عاطفی)	
	اگر کسی درآمد سه ماه خانواده تان را از شما قرض بگیرد و ورشکست شود چقدر امکان دارد برای همیشه پولتان را به وی ببخشید (مالی)	
	اگر جوان سالمی از شما دزدی کند، در صورت دستگیری چقدر احتمال دارد او را ببخشید (مالی)	
	اگر کسی عمداً در یک دعوا شما را زخمی کند، چقدر احتمال دارد وی را ببخشید (جانی)	
	تصور کنید کسی خدای نکرده شما را عمداً بکشد، اگر جای اعضای خانواده تان باشید چقدر احتمال دارد قاتل را ببخشید (جانی)	
0.79	اگر کسی در بازار به یکی از اعضای خانواده تان توهین کند، چقدر احتمال دارد از این حرف او بگذرید (جمعی)	پتانسیل بخشش معطوف به دیگران
	اگر در حال قدم زدن با اعضای خانواده تان تهنیت بزند، چقدر احتمال دارد از این رفتار وی گذشت کنید (جمعی)	
	اگر کسی با احساسات و عواطفی یکی از اعضای خانواده تان حرف بزند، تا چه حد امکان دارد او را ببخشید (عاطفی)	
	اگر کسی در آمد چند ماه خانواده را از یکی از اعضای خانواده تان قرض بگیرد و نتواند پس دهند، چقدر احتمال دارد برای همیشه پولتان را به وی ببخشید (مالی)	
	در صورتی که از یکی از اعضای خانواده تان کلاه برداری کنند، چقدر احتمال دارد شما کلاهبردار را ببخشید (مالی)	
	اگر کسی عمداً در یک دعوا یکی از اعضای خانواده تان را زخمی کند، چقدر احتمال دارد وی را ببخشید (جانی)	
	تصور کنید خدای نکرده فردی، یکی از اعضای خانواده شما را عمداً بکشد، چقدر احتمال دارد قاتل را ببخشید (جانی)	

اعتبار^۱ و پایایی^۲ وسیله اندازه‌گیری

اگرچه گویه‌های مربوط به اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی از تحقیقات گذشته اقتباس شده است، اما پرسشنامه پتانسیل عفو و بخشش باتوجه به رویکرد جامعه‌شناختی آن به صورت محقق ساخته، تهیه و تدوین شده است. لذا قابلیت اعتبار سازه‌های پرسشنامه از طریق بررسی اعتبار محتوا و اعتبار سازه‌ای ارزیابی شده است: ابتدا اعتبار محتوای گویه‌های پرسشنامه، براساس نظر شش نفر از استادان جامعه‌شناسی و دانشجویان دکتری جامعه‌شناسی، ارزیابی و مورد تأیید قرار گرفته و همچنین از طریق تحلیل عاملی تأییدی، میزان اعتبار سازه‌ای ابعاد مختلف متغیرهای تحقیق ارزیابی و تأیید شد. همچنین قابلیت اعتماد و تعمیم‌پذیری گویه‌های تدوین شده، از طریق اندازه‌گیری شاخص آلفای کرونباخ در پیش‌آزمون انجام شده بین 30 نفر از افراد نمونه، ارزیابی شده است؛ همچنان که در جداول (1 و 2) مشاهده می‌شود، مقدار آلفای کرونباخ ابعاد هر دو متغیر مکنون، در همه موارد، بالای حد قابل قبول 0.7 بوده است؛ لذا پرسشنامه نهایی از اعتبار و پایایی لازم برخوردار بوده است.

یافته‌های تحقیق

توصیف متغیرهای اصلی تحقیق

در پردازش داده‌های خام جمع‌آوری شده، روش برساخت متغیرهای مکنون سرمایه اجتماعی و پتانسیل عفو و بخشش به این ترتیب بوده است که ابتدا بعد از همسوسازی گویه‌های مربوط به ابعاد متغیرها، آنها را براساس ابعادشان با یکدیگر ترکیب کرده و براساس دامنه‌شان در مقیاس صفر تا صد برساخت کردیم و جهت ایجاد متغیرهای مکنون سرمایه اجتماعی و پتانسیل عفو و بخشش، جمع ابعاد متغیرها تقسیم بر تعدادشان شده است، به این ترتیب، دامنه مقیاس متغیرهای اصلی تحقیق از صفر تا صد بوده و براساس این مقیاس متغیرهای تحقیق توصیف شده است:

پتانسیل عفو و بخشش

جدول (3) توزیع فراوانی پتانسیل عفو و بخشش در بین نمونه آماری

خیلی بالا	بالا	متوسط	پایین	خیلی پایین	فراوانی	پتانسیل عفو و بخشش
38	63	69	125	81	فراوانی	
10.1	16.8	18.4	33.2	21.5	درصد	

براساس جدول (3) از بین کل 376 نفر پاسخگو، بیش از 21.5 درصد افراد از پتانسیل بسیار پایینی برای بخشش افراد خاطی برخوردار بوده‌اند و پتانسیل بخشش بیش از 33.2 درصد افراد نیز در سطح پایینی بوده است. 18.4 درصد افراد، از پتانسیل بخشش متوسطی برخوردار بوده و 16.8 درصد هم

¹Validity

²Reliability

دارای پتانسیل بالایی برای گذشت از فرد خاطی بوده‌اند. در نهایت تنها 10.1 درصد افراد بررسی شده، پتانسیل مطلوبی جهت بخشش افراد خاطی نسبت به خود و اعضای خانواده داشته‌اند.

جدول (4) شاخص‌های توصیفی پتانسیل عفو و بخشش و ابعاد آن (مقیاس 0 تا 100)

مقیاس	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
پتانسیل بخشش معطوف به خود	41.5	21.86	0	100
پتانسیل بخشش معطوف به دیگران	34.78	16.54	0	100
پتانسیل بخشش (کل)	38.14	19.05	0	100

بر اساس جدول (4) میانگین پتانسیل بخشش به صورت کلی در بین نمونه بررسی شده برابر با 38.14 در مقیاس صفر تا صد بوده است که نشان می‌دهد، در مجموع پتانسیل پایینی در بین جامعه آماری ارومیه جهت بخشش افراد خاطی و مجرم وجود دارد. همچنین طبق این جدول، میانگین میزان پتانسیل بخشش فرد، در صورتی که یکی از اعضای خانواده فرد قربانی باشد، به مقدار 6.72 پایین تر از زمانی است که خود فرد پاسخگو، قربانی بوده و در شرایط بخشش قرار می‌گیرد، بر اساس نتایج آزمون مقایسه زوجی، این تفاوت میانگین از لحاظ آماری معنادار بوده است و در جامعه آماری پتانسیل بخشش معطوف به خود به مراتب بالاتر از پتانسیل بخشش معطوف به دیگران بوده است.

سرمایه اجتماعی

جدول (4) شاخص‌های توصیفی سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (مقیاس 0 تا 100)

مقیاس	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
انسجام اجتماعی	55.18	19.51	0	100
شبکه روابط اجتماعی	63.42	20.86	0	100
اعتماد اجتماعی	38.12	17.52	0	100
کنترل اجتماعی	43.58	19.72	0	100
حمایت اجتماعی	51.6	20.45	0	100
همبستگی اجتماعی	62.05	18.9	0	100
سرمایه اجتماعی	52.32	18.73	8.54	98.44

بر اساس جدول (4) میانگین سرمایه اجتماعی در بین نمونه آماری بررسی شده برابر با 52.32 در مقیاس صفر تا صد بوده است که نشان می‌دهد وضعیت سرمایه اجتماعی در سطح متوسطی قرار دارد. همچنین در بین ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی، میانگین اعتماد اجتماعی (به صورت بین شخصی و تعمیم یافته) با میزان 38.12 کمتر از سایر ابعاد بوده و شبکه روابط اجتماعی با میانگین 63.42 در سطح بالاتری نسبت به سایر ابعاد سرمایه اجتماعی قرار گرفته است. بعد کنترل اجتماعی نیز در بین نمونه آماری دارای میانگین نسبتاً پایینی بوده است؛ در حالی که در سایر موارد، میانگین ابعاد سرمایه اجتماعی بالای مقدار میانه 50 بوده است.

نتایج آزمون فرضیه های تحقیق

باتوجه به فاصله‌ای بودن مقیاس متغیرهای تحقیق و عدم معناداری مقدار Z آزمون توزیع نرمال‌ها، برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، ابتدا از طریق نمودار پراکنش¹ روابط مرتبه صفر متغیرها، از خطی بودن روابط، اطمینان حاصل شده است. در این میان، از بین روابط بررسی شده، رابطه بین سرمایه اجتماعی و بعد پتانسیل بخشش معطوف به دیگران غیرخطی بوده است، لذا علاوه بر آزمون فرضیه‌های تحقیق به وسیله آزمون همبستگی پیرسون، رابطه بین سرمایه اجتماعی و پتانسیل بخشش معطوف به دیگران، به صورت جداگانه نیز تحلیل شده است، در ذیل جدول مربوط به نتایج همبستگی متغیرهای تحقیق ذکر شده است:

جدول (5) نتایج همبستگی پیرسون مرتبه صفر سرمایه اجتماعی و پتانسیل عفو و بخشش

پتانسیل عفو و بخشش	بخشش معطوف به خود	بخشش معطوف به دیگران
0.422**	0.563**	0.211**
0.392**	0.584**	0.207**
0.489**	0.597**	0.24**
0.175**	0.358**	0.091*
0.371**	0.524**	0.183**
0.517**	0.638**	0.154**
0.376**	0.547**	0.118*

*= $p<0.05$ **= $p<0.01$

براساس جدول فوق، رابطه بین سرمایه اجتماعی و پتانسیل عفو و گذشت افراد در سطح اطمینان 99 درصد تأیید شده است، لذا فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر وجود رابطه معنادار بین سرمایه اجتماعی و پتانسیل عفو و بخشش در بین جامعه آماری مورد مطالعه، تأیید می‌شود. شدت این رابطه نیز در حد بالایی بوده و مجذور همبستگی آن 0.179 بوده است. جهت این رابطه نشان می‌دهد که با افزایش سرمایه اجتماعی بین مردم، پتانسیل عفو و بخشش آنها نیز افزایش پیدا می‌کند.

همچنین رابطه خطی بین سرمایه اجتماعی و هر دو بعد بخشش معطوف به خود و بخشش معطوف به دیگران نیز معنادار بوده و جهت رابطه‌های آنها نیز مثبت بوده است، اما باتوجه به خطی نبودن رابطه بین سرمایه اجتماعی و بعد پتانسیل بخشش معطوف به دیگران شدت این رابطه نسبت به بعد بخشش معطوف به خود، بسیار پایین بوده است. لذا جهت سنجش دقیق نوع رابطه بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و بعد پتانسیل عفو و بخشش معطوف به دیگران، این رابطه به صورت جداگانه در ذیل بررسی شده است.

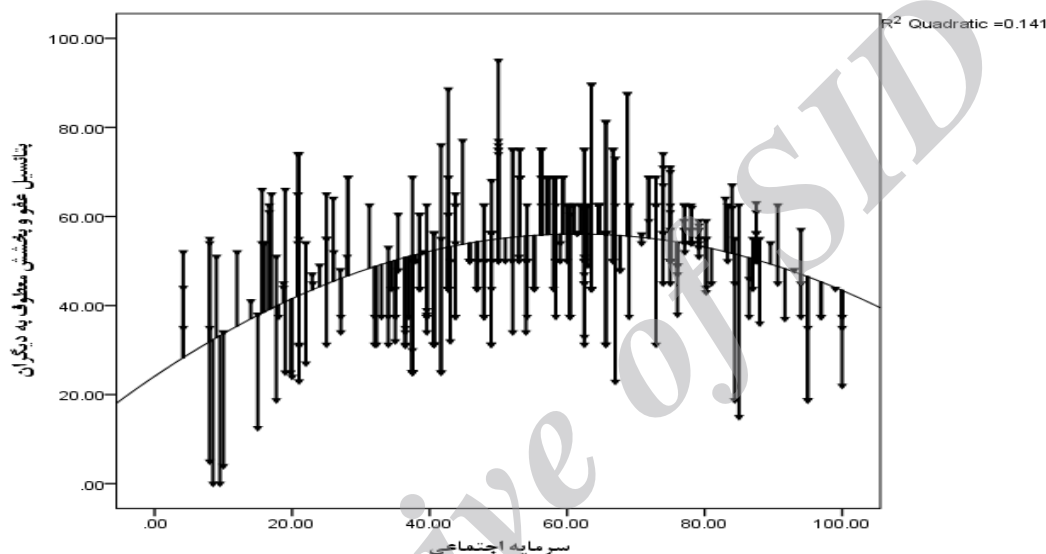
قبل از بررسی این مسأله لازم است سایر روابط گزارش شده در جدول (5) تفسیر شود. براساس این جدول، اگرچه همه روابط بررسی شده، دست کم در سطح اطمینان 95 درصد معنادار بوده‌اند اما متغیر اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی، کمترین نقش را در پتانسیل عفو بخشش و ابعاد آن داشته است. ابعاد کنترل اجتماعی و همبستگی اجتماعی نیز نسبت به سایر ابعاد، رابطه ضعیف تری با پتانسیل عفو و بخشش داشته‌اند، این شدت رابطه حتی در مورد بعد پتانسیل بخشش معطوف به دیگران

¹Scatter Plot

بسیار پایین بوده است. این درحالی است که متغیرهای حمایت اجتماعی و شبکه روابط اجتماعی بیشترین شدت تأثیر را بر متغیر پتانسیل عفو و بخشش و ابعاد آن داشته‌اند.

تحلیل رابطه غیرخطی سرمایه اجتماعی و پتانسیل عفو و بخشش معطوف به دیگران

همچنانکه در بخش قبل اشاره شد، نمودار پراکندگی رابطه بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و بعد معطوف به دیگران پتانسیل بخشش، غیرخطی بودن رابطه آنها را نشان داده است، این نمودار همراه با منحنی برازش ترسیم شده آن، در ذیل آمده است:



شکل (2) نمودار پراکنش رابطه بین سرمایه اجتماعی و بعد پتانسیل عفو و بخشش معطوف به دیگران براساس این نمودار، در نظر گرفتن رابطه بین سرمایه اجتماعی و بعد پتانسیل عفو و بخشش معطوف به دیگران، به صورت رابطه سهمی درجه دوم با نقطه عطف بالا، دارای برازش بیشتری نسبت به رابطه خطی میان آنها است؛ نتایج مربوط به بررسی رابطه سهمی درجه دوم این دو متغیر، در جدول (6) بررسی شده است:

جدول (6) نتیجه برازش رابطه سهمی درجه دوی تأثیر سرمایه اجتماعی بر پتانسیل بخشش معطوف به دیگران

مقدار معاداری f	مقدار t	مقدار بتا	متغیرهای وارد شده به معادله
0.000	7.445	1.466	سرمایه اجتماعی
0.000	-6.565	-1.292	مجذور سرمایه اجتماعی
0.375 :R		مقدار f: 31.529	
0.141 :R2		مقدار معاداری f: 0.000	

طبق نتایج جدول (6) مقدار معناداری آزمون f برابر با 0.000 بوده و تحلیل انجام شده دارای برازش با جامعه آماری بوده است. طبق این نتایج، مجذور همبستگی چندگانه بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و

¹Quadratic

پتانسیل بخشش معطوف به دیگران برابر با 0.141 بوده که به میزان 0.096 بیشتر از مجذور همبستگی رابطه خطی بین دو متغیر مذکور است. براساس نتایج به دست آمده از تحلیل فوق، معادله استاندارد تابع پتانسیل بخشش معطوف به دیگران براساس سرمایه اجتماعی عبارت است از:

$$^2(\text{سرمایه اجتماعی}) - 1.292 - (\text{سرمایه اجتماعی}) = 1.466 = \text{پتانسیل عفو و بخشش معطوف به دیگران}$$

دیگران

بنابر معادله نهایی تابع سهمی درجه دوی محاسبه شده، با افزایش سرمایه اجتماعی تا نقطه عطف منحنی (نمودار 2) میزان پتانسیل عفو و بخشش معطوف به دیگران نیز از سوی اشخاص افزایش پیدا کرده است، اما بعد از آن با افزایش بیشتر سرمایه اجتماعی به تدریج، از شدت پتانسیل عفو و بخشش معطوف به دیگران کاسته شده است. لذا سرمایه اجتماعی اگرچه در سطح متوسط می تواند نقش بسزایی در خلق پتانسیل عفو و بخششی داشته باشد که متوجه اعضای خانواده فرد می شود؛ اما افزایش بالای سرمایه اجتماعی در ترک بخشش معطوف به نزدیکان نقش ایفا می کند و براساس یافته های آماری، کسانی که سرمایه اجتماعی بسیار قوی داشته اند، امکان بخشش فرد خاطی از سوی آنها در صورتی که فرد به یکی از اعضای خانواده آسیبی (مالی، جانی، عاطفی و یا جمعی) وارد کرده باشد، کاهش پیدا کرده است. در واقع همبستگی و روابط شدید بین افراد می تواند یادآور روابط مکانیکی دورکیمی باشد، که براساس نتایج تحقیق، توانسته است نقش منفی در جهت پتانسیل عفو و بخشش ایفا کند.

تحلیل چند متغیره رابطه بین سرمایه اجتماعی و پتانسیل عفو و بخشش

اگرچه در یافته های ذکر شده، رابطه مرتبه صفر بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با متغیر پتانسیل عفو و بخشش بررسی شده است، اما در جهت دستیابی به میزان مشارکت نسبی و همزمان هر کدام از ابعاد سرمایه اجتماعی بر متغیر عفو و بخشش، از تحلیل چند متغیره رگرسیون چندگانه با روش همزمان¹ استفاده شده است. خلاصه نتایج این تحلیل، برای نیل به رتبه بندی نسبی میزان تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر پتانسیل بخشش، در جدول (7) آمده است:

جدول (7) نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون مشارکت همزمان ابعاد سرمایه اجتماعی بر پتانسیل عفو و بخشش

مقدار معادله	مقدار f	مقدار بتا	مقدار بتا
0.008	2.578	0.179	انجام اجتماعی
0.000	9.908	0.438	شبهه روابط اجتماعی
0.061	1.284	0.064	اعتماد اجتماعی
0.000	7.694	0.308	کنترل اجتماعی
0.000	12.549	0.594	حمایت اجتماعی
0.001	2.671	0.198	همبستگی اجتماعی
مقدار f: 97.542	مقدار R: 0.617	مقدار معادله f: 0.000	مقدار R2: 0.380

طبق نتایج به دست آمده در جدول (7) مقدار f معادله رگرسیونی انجام شده در جهت تبیین پتانسیل عفو و بخشش، معنادار بوده است؛ لذا نتایج این تحلیل از برازش لازم با جامعه آماری برخوردار است.

¹Enter

همچنانکه مشاهده می شود ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی در نهایت، بیش از 38 درصد تغییرات متغیر پتانسیل عفو و بخشش در افراد را تبیین کرده‌اند. در این میان، باتوجه به مقدار معناداری آزمون t ، تنها تأثیر متغیر اعتماد اجتماعی بر پتانسیل عفو و بخشش، معنادار نبوده است. درحالی که در جامعه آماری ارومیه، بعد حمایت اجتماعی، بیشترین تأثیر نسبی را بر پتانسیل عفو و بخشش افراد داشته و بعد از آن، شبکه روابط اجتماعی نیز تأثیر بالایی بر این متغیر داشته است. کنترل اجتماعی نیز تأثیر مستقیم نسبی بالایی بر پتانسیل عفو و گذشت داشته است و در نهایت دو متغیر انسجام و همبستگی اجتماعی، کمترین سهم خالص را در افزایش پتانسیل عفو و بخشش افراد داشته‌اند. لذا باتوجه به شدت همبستگی بالای این دو متغیر، در رابطه مرتبه صفر با متغیر وابسته، می‌تواند ادعا کرد که انسجام اجتماعی و همبستگی اجتماعی به‌عنوان ابعاد زمینه‌ای مؤثر بر پتانسیل عفو و بخشش مطرح شده‌اند که هم به صورت بی واسطه و هم از طریق تأثیرگذاری بر سایر ابعاد سرمایه اجتماعی در افزایش و یا کاهش پتانسیل عفو و بخشش افراد، نقش ایفا می‌کنند.

بحث و نتیجه گیری

مطالعه ادبیات موجود در زمینه مفهوم عفو و بخشش نشان می‌دهد که این مفهوم تنها در حوزه مطالعات روانشناختی مورد توجه قرار گرفته است. بررسی نحوه سنجش این مفهوم در علم روانشناسی حاکی از آن بوده است که در این حوزه مفهوم عفو، به یک پدیده روانی و احساس تنزیل داده شده است و از جنبه های اجتماعی آن چشم-پوشی شده است. لذا این تحقیق بصورت اکتشافی در تلاش بوده است که پدیده بخشش را به عنوان یک پدیده اجتماعی برآمده از ارتباط بین کنشگران اجتماعی، از منظر جامعه شناسی مفهوم سازی کند. لذا در این تحقیق مفهوم عفو و بخشش به‌عنوان یک کنش اجتماعی تلقی شده است که طی آن، فرد از مقابله قهری با هنجارشکنی و بزهکاری افراد، با هدف جلوگیری از تکرار آن، پرهیز می‌کند. باتوجه به نظام شخصیتی کنشگران، هنجارشکنی و بزهکاری افراد در این تحقیق در چهار بعد جانی، مالی، عاطفی و جمعی، مدنظر قرار گرفته شده که متوجه شخص قربانی رفتار انحرافی و یا اعضای خانواده وی می‌شود. از طرف دیگر، براساس نسبت قربانی با فرد پاسخگو، عفو و بخشش در دو بعد بخشش فرد خاطی با خطای(بزه) معطوف به خود و بخشش فرد خاطی با خطای معطوف به دیگران تقسیم بندی شده است و از آنجا که وضعیت عفو و بخشش افراد را می‌بایست در شرایط و جنبه های مختلف در نظر گرفت، لذا در واقع پتانسیل و قابلیت کنش بخشش در شرایط مختلف احتمالی، در فرآیند مفهوم سازی عفو و بخشش مطالعه حاضر، مدنظر قرار گرفته شده است.

در این پژوهش علاوه بر مفهوم سازی و سنجش پتانسیل عفو و بخشش در بین شهروندان ارومیه‌ای نقش سرمایه اجتماعی شناختی بر این پتانسیل نیز در سطح فردی مورد بررسی قرار گرفته است. به این

ترتیب، در پژوهش حاضر از دید جامعه‌شناسی، نقش تبیینی سرمایه اجتماعی رابطه‌ای بر پتانسیل عفو و بخشش شهروندان ارزیابی شده است.

یافته‌های تحقیق در مورد میزان پتانسیل عفو و بخشش در بین شهروندان ارومیه‌ای نشان داده است که میانگین پتانسیل عفو و بخشش در بین نمونه آماری برابر با 38.1 درمقیاس صفر تا صد بوده است که می‌توان نتیجه گرفت در کل، پتانسیل بخشش در بین شهروندان ارومیه در سطح پایینی قرار دارد. همچنین براساس یافته‌های استنباطی به دست آمده، میزان میانگین پتانسیل بخشش در بعد معطوف به خود شخص، به میزان 6.7 درصد بیشتر از میانگین پتانسیل بخشش معطوف به اعضای خانواده بوده است. براساس متغیرهای الگویی پارسنز، در شرایط ساختی، زمانی که روابط مکانیکی دست‌کم در بین اعضای خانواده باقی مانده باشد، افراد در میزان بخشندگی معطوف به اعضای خانواده متأثر از جهت‌گیری جمعی و خاص گرایانه، روابط عاطفی و کیفیت ذاتی آن بوده و به این دلیل پتانسیل کمتری در بخشش معطوف به اعضای خانواده دارند.

در بخش تبیینی مطالعه حاضر، سرمایه اجتماعی رابطه‌ای به‌عنوان عامل تقویت‌کننده پتانسیل عفو و بخشش در نظر گرفته شده است. لذا باتوجه به جنبه شناختی یا رابطه‌ای سرمایه اجتماعی، ابعاد اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، همبستگی اجتماعی، حمایت اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی و کنترل اجتماعی، برای آن متصور گشته و مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است؛ باتوجه به این ابعاد، یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که وضعیت سازه سرمایه اجتماعی در بین شهروندان ارومیه‌ای در سطح متوسطی قرار دارد.

تحلیل استنباطی فرضیه‌های تحقیق نشان داده است که سرمایه اجتماعی به صورت کلی، به میزان 18 درصد در افزایش پتانسیل عفو و بخشش نقش داشته است. این رابطه در مورد بعد پتانسیل بخشش معطوف به خود، حتی بیشتر از این مقدار بوده است. اما باتوجه به نمودار پراکنش رابطه بین سرمایه اجتماعی و پتانسیل بخشش معطوف به دیگران (اعضای خانواده)، منحنی خطی برازش لازم را نداشته است و باتوجه به آزمون برازش منحنی‌های مختلف، در نهایت به این نتیجه رسیده‌ایم که پربرازش‌ترین منحنی رابطه بین سرمایه اجتماعی و بعد پتانسیل معطوف به خانواده، منحنی سهمی درجه دوم با نقطه عطف بالا بوده است. براساس این نوع رابطه، اگرچه افزایش سرمایه اجتماعی تا سطح متوسطی، باعث افزایش پتانسیل عفو و بخشش معطوف به خانواده شده است اما افزایش و تقویت بالای سرمایه اجتماعی یا به عبارتی برخورداری از همبستگی اجتماعی قوی، حمایت‌های اجتماعی شدید، انسجام اجتماعی مستحکم، شبکه روابط گسترده و عمیق، کنترل اجتماعی پویا و قوی، و اعتماد بالا به اطرافیان، در شرایطی که فرد خاطی نسبت به اعضای خانواده فرد، خطایی مرتکب شود، قابلیت بخشش خاطی از سوی افراد کاهش پیدا می‌کند. این نتیجه تاحدی همسو با یافته‌های ایمیل دورکیم در مورد رابطه بین همبستگی اجتماعی و خودکشی نوع‌دوستانه است. در واقع شدت قوی همبستگی و پیوندهای اجتماعی

افراد(سرمایه اجتماعی) حاکی از مکانیکی بودن روابط اجتماعی است؛ در این وضعیت سنتی، شدت عصبیت خانوادگی افراد و تعلقات عاطفی و نسبی آنها نیز بیشتر خواهد بود، به این ترتیب روحیه‌ای جمع‌گرایانه داشته و حراست از اعضای خانواده را مقدم بر بقای خود می‌دانند. بنابراین زمانی که شدت سرمایه اجتماعی بسیار قوی می‌شود پتانسیل افراد برای گذشت از تخطی به حریم اعضای خانواده‌اش کاهش پیدا می‌کند. درحالی که این رابطه، درمورد پتانسیل بخشش معطوف به خود صادق نیست.

همچنین یافته‌های آماری تحقیق درجهت رتبه بندی میزان تأثیر خالص هرکدام از ابعاد سرمایه اجتماعی بر متغیر پتانسیل عفو و بخشش نشان داده است که شش بعد بررسی شده درمجموع به 38 درصد تغییرات پتانسیل عفو و بخشش کنشگران، پاسخ داده است. طبق این نتایج تنها تأثیر خالص اعتماد اجتماعی بر متغیر وابسته معنادار نبوده است و این بعد از سرمایه اجتماعی نقش مستقیمی در افزایش پتانسیل عفو و بخشش افراد نداشته و تنها از طریق تقویت سایر ابعاد سرمایه اجتماعی، بر متغیر وابسته تأثیر داشته است. همچنین براساس مقدار بتای تأثیر دو بعد انسجام اجتماعی و همبستگی اجتماعی بر متغیر وابسته، این دو عامل نسبت به سایر ابعاد، تأثیر خالص کمتری بر پتانسیل عفو و بخشش داشته و بیشتر درنقش عوامل زمینه‌ای و ساختاری، با تقویت ابعاد کنترل، حمایت و شبکه روابط اجتماعی، به صورت غیرمستقیم در افزایش پتانسیل عفو و بخشش جامعه نقش ایفا می‌کنند. درنهایت نتایج تحقیق نشان داده است که حمایت اجتماعی از افراد بیشترین سهم نسبی را در افزایش پتانسیل عفو و بخشش داشته است و در ادامه دو عامل شبکه روابط اجتماعی و کنترل اجتماعی نقش مستقیم نسبی بالایی در تبیین پتانسیل عفو و بخشش جامعه ارومیه داشته‌اند.

باتوجه به اینکه پدیده عفو و بخشش در روابط اجتماعی عینیت پیدا می‌کند می‌بایست آن را به‌عنوان یک امر اجتماعی تلقی کرد و باتوجه به مغفول ماندن این مفهوم در ادبیات نظری و تجربی علوم اجتماعی، پیشنهاد می‌شود تلاش‌های نظری هستی‌شناختی درجهت پرورش این مفهوم در حوزه جامعه‌شناسی صورت گیرد. همچنین در تبیین این مفهوم به ابعاد ساختاری سرمایه اجتماعی ازجمله رسانه‌های و شبکه‌های اجتماعی، سازمان‌های مردم‌نهاد، نظام آموزش رسمی و غیر رسمی و غیره توجه شود.

منابع و مأخذ

1. ازکیا، م (1382)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران، نشرکلمه، چاپ چهارم
2. آرون، ر؛ (1372)، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، پرهام، تهران، سهامی، چاپ سوم.
3. الوانی، س و سیدنفوی، م (1381). سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره 33 و 26: 3-34
4. توداروم، (1375)، توسعه اقتصادی در جهان سوم؛ ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه

5. توسلی، غ (1380)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت، چاپ هشتم.
6. چلبی، م (1381)، بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران. تهران: مؤسسه ی پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
7. چلبی، م؛ مبارکی، م (1384)، تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره 2، صص 3-44
8. دانشگر، م (1390)، عفو و بخشش از منظر روان شناسی و الاهیات مسیحی، فصلنامه پژوهش های فلسفی-کلامی، شماره 50، صص 107-116
9. زندی پور، ط و یادگاری، ه (1386) ارتباط بخشش با رضایت از زندگی در بانوان دانشجوی متأهل غیربومی دانشگاه های تهران، فصلنامه مطالعات زنان، سال پنجم، شماره 3، صص 109-122
10. ستوده، ه (1380)، آسیب شناسی اجتماعی جامعه شناسی انحرافات، تهران، انتشارات آوای نور، چاپ هفتم
11. شارع پور، م (1380)، فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامد های آن. نامه علوم اجتماعی. شماره 3.
12. شایان مهر، ع (1377)؛ دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی (کتاب اول)، تهران، کیهان، چاپ اول،
13. کلمن، ج (1377). بنیاد های نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشرنی.
14. ممتاز، ف (1381)، انحرافات اجتماعی، نظریه ها و دیدگاه ها، تهران، شرکت سهامی انتشار.
15. Amal M. S. Al-Sabeelah, Fatima E. A. Alraggad & oraib-Abu Ameerh. (2014), The relationship between forgiveness and personality traits, mental health among sample Jordanian university students. Department of Psychology and Special Education Princess Alia College Al-Balaq'a Applied University, Amman, Jordan
16. Ashton, M. C. ,Pauononen, S. V. , Helmes, E. and Jackson, D. N. (1998). Kin altruism, reciprocal altruism, and the big five personality factors. *Evolution and Human Behavior*, 19, 243-255.
17. Avison, W. R. , McLeod, J. D. , Pescosolido, B. A. , Eds. (2006) *Mental Health, Social Mirror*. New York: Springer
18. Berry, J. W., Worthington, E. L., O'Connor, L. E., Parrott, L., & Wade, N. G. (2005). Forgiveness, vengeful rumination, and affective traits. *Journal of Personality*, 73, 183-226.
19. Bourdiea, p. (1986). "The forms of capital", in J. G. Richardson(ed). *Handbook of Theory and Research for the sociology of Education*, New York: landon: Greenwood press
20. Brehm J. , Rahn W. ;(1997). " Individual level evidence for causes & consequences ofsocial capital"; *American Journal of Political Science* , Vol. 41, No.
21. Coleman, J. (1988). "social capital in the creation of human capital" , *American journal of sociology*, Vol. 94: S 95-120

22. Fincham, F. D. , Hall, J. H. & Beach, S. R. H. (2005). 'Til lack of forgiveness doth us part: Forgiveness in marriage. In E. L. Worthington (Ed.), Handbook of forgiveness (pp. 207-226). New York: Routledge.
23. Fincham, F.D. & Beach, S.R. Fincham, F.D. & Beach, S.R. . (2013) . Marital Forgiveness Scale (Dispositional) . Measurement Instrument Database for the Social Science. Retrieved from www.midss.ie
24. Freedman, S. R. ,& Enright, R. D. (1996). Forgiveness as an intervention goal with incest survivors. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 64(5), 983-992
25. Garip F. ;(2008). "Social capital and migration: How do similar resources lead to divergent?"; *Demography*, Vol
26. Gobari Bnab, B. , Keyvanzadeh, M. & Vahdat Torbati, S. H. (2008). The relationship between forgiveness and mental health in medical college students. *Journal of Psychology and Education*. 382,167-180
27. Greene, J. P. (2001). "Social and cultural capital in Colonial British America: a case study", in Rotberg, R. (Ed), *Patterns of Social Capital: Stability and Change in Historical Perspective*, Cambridge University Press, Cambridge
28. Hsieh Ch-H ;(2008). "A concept analysis of social capital within a health context"; *Nursing Forum*, Vol. 43, No.
29. Jane, W. & Jannie, N. (2000). *Health Promotion Foundation for Practice*. 2nd Edittion, Harcourt Published.
30. Kearns, J. N. ,& Fincham, F. D. (2004). A prototype analysis of forgiveness. *Personality and SocialPsychology Bulletin*, 30, 838-855.
31. Putnam , R. D. (1995). " Bowling alone: America's declining Social Capital", *Journal of Democracy* 6(10): 65-78
32. Ross, S. R. , Hertenstein, M. J. , Wrobel, T. A. (2007). Maladaptive correlates of the failure to forgive self and others: Further evidence for a two-component model of forgiveness. *Journal of personality Assessment*, 882, 158–167.
33. Ross,S. R. , Kendall, A. C. , Matters,K. G. , Wrobel, T. A. and Rye, M. S. (2004). A person logical examination of self and other-forgiveness in the five-factor model.
34. Saif, S. & Bahari, F. (2004). The relatedness of couples forgiveness and their mental health. *Psychological Studies*, 11, 9-1
35. Staub, E. (2006). (in press) Reconciliation after genocide, mass killing or intractable conflict: understandin the roots of violence, psychological recovery and steps toward a general theory.
36. Yamhure Thompson, Laura; Snyder, C. R. (Rick); and Hoffman, Lesa, (2005). "Heartland Forgiveness Scale" Faculty Publications, Department of Psychology. Paper 452. <http://digitalcommons.unl.edu/psychfacpub/452>